

عهد سرخ شهدا از کربلا تا ایران ما

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین
مسعود عالی درباره ابعاد تمدنی عاشورای
حسینی و نبرد جاودانه حق و باطل



واکاوی جامعه‌شناختی آیین‌های عاشورایی و تأثیر آن در زیست مشترک ما ایرانی‌ها در گفت‌وگو با دکتر سیدحاجاد میری

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین
ناصر رفیعی درباره پیام جاودانه سیدالشهدا (ع)
و درس های آن برای امروز

WWW.QUDSONLINE.IR

۷ محرم ۱۴۴۷ ۳ جولای ۲۰۲۵ سال سی و هشتم شماره ۱۰۶۸۵
۸ صفحه ۴ صفحه رواق ۴ صفحه ویژه مین و خراسان

پنجشنبه
۱۲
تیر

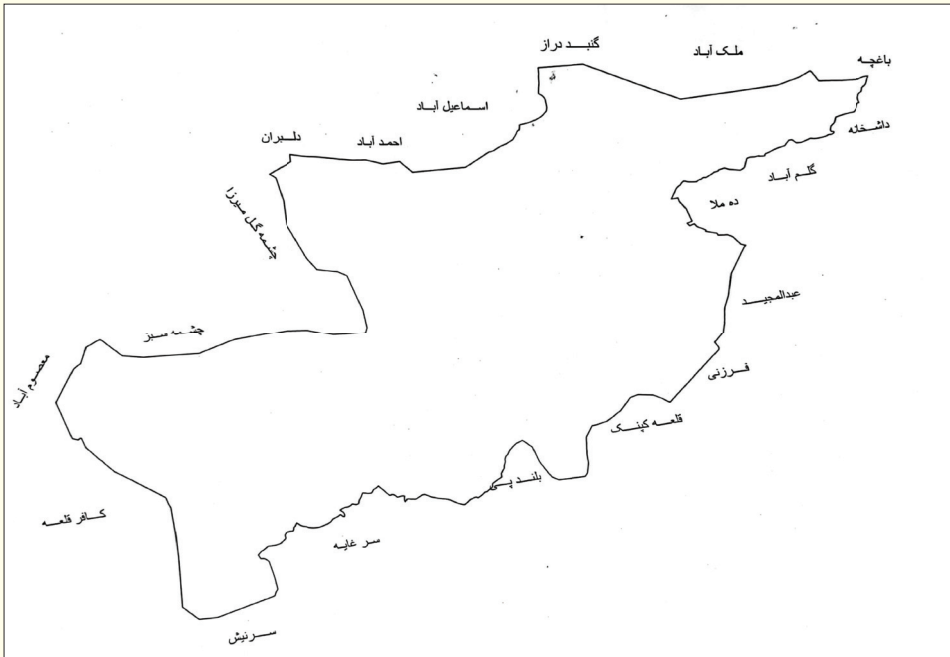


آگهی صورت جلسه تثبیت حدود

احتراماً نظر به اینکه اداره آستان قدس رضوی مالک شش دانگ مزرعه حسن آباد سرجام دارای پلاک ۴۰۲ اصلی بخش ۵ مشهد درخواست تثبیت حدود و تبدیل سند مالکیت دفترچه ای به تک برگ را به استناد تک ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی از این اداره نموده است لذا به این وسیله صورت مجلس تثبیت حدود و نقشه مربوطه جهت اطلاع عموم و مجاورین ابلاغ چنانچه در مورد حدود شماره: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ - ۱۵/۱۴۰۴/۳۰۵ و حقوق ارتفاعی برای خود برای خود حقی متصور میباشد از تاریخ انتشار به مدت ۱۰ روز مراتب را کتباً به اداره ثبت اسناد املاک و احمد آباد اعلام نمایند بدیهی است پس از سیری شدن مدت مذکور سند مالکیت تک برگی برای حدود و نقشه ترسیمی صادر خواهد شد.

حد غرب از میله ۱ تا میله ۲ به طول ۹۸۵ از میله ۲ تا میله ۳ به طول ۴۵۰ گز و از میله ۳ تا میله ۴ به طول ۵۰۰ گز و از میله ۴ تا میله ۵ به طول ۱۹۵ گز از میله ۵ تا میله ۶ به طول ۷۰ گز از میله ۶ تا میله ۷ تا میله ۸ به طول ۲۳۰ گز حد فاصل خط مفروض مستقیم این میله ها است این قسمت محدود است به اراضی مزرعه کافر قلعه دوم از میله ۸ تا ۹ به طول ۷۰۵ گز از میله ۹ تا میله ۱۰ به طول ۱۵۵ گز از میله ۱۰ تا میله ۱۱ به طول ۳۴۰ گز از میله ۱۱ تا ۱۲ به طول ۲۸۰ گز و از ۱۲ تا میله ۱۳ به طول ۵۰۵ از میله ۱۳ تا ۱۴ به طول ۳۶۸ گز حد فاصل خط مفروض مستقیم بین میله ها که این قسمت محدود است به اراضی عصوم آباد سوم از میله ۱۴ تا ۱۵ به طول ۴۳۰ از میله ۱۵ تا میله ۱۶ به طول ۵۶۰ گز از میله ۱۶ تا ۱۷ به طول ۱۵۵ گز از میله ۱۷ تا میله ۱۸ به طول ۵۲۲ گز میله ۱۸ تا میله ۱۹ به طول ۲۴۰ گز از میله ۱۹ تا میله ۲۰ به طول ۷۲۱ گز از میله ۲۰ تا ۲۱ به طول ۳۸۶ گز از میله ۲۱ تا میله ۲۲ به طول ۴۵۵ است از میله ۲۲ تا میله ۲۳ به طول ۲۶۹ گز از میله ۲۳ تا میله ۲۴ به طول ۳۱۵ گز خط فاصله خط مفروض مستقیم این قسمت محدود است و اراضی چشم سبز پلاک ۴ و از میله ۲۴ تا ۲۵ به طول ۱۰۰ گز از میله ۲۵ تا میله ۲۶ به طول ۳۵۲ گز از میله ۲۶ تا میله ۲۷ به طول ۷۰۷ گز از میله ۲۷ تا میله ۲۸ به طول ۳۷۴ گز از میله ۲۸ تا میله ۲۹ به طول ۱۷۴ گز از ۲۹ تا میله ۳۰ به طول ۳۶۶ از میله ۳۰ تا میله ۳۱ به طول ۲۸۵ است از میله ۳۱ تا میله ۳۲ به طول ۷۱۵ گز از میله ۳۲ تا میله ۳۳ به طول ۴۴۰ گز حد فاصل خط مفروض مستقیم بین میله ها و محدود است به اراضی چشمه گل میرزا حد شمال از میله ۳۳ تا میله ۳۴ به طول ۵۳۸ گز از میله ۳۴ تا میله ۳۵ به طول ۳۶ گز و از میله ۳۵ تا میله ۳۶ به طول ۴۴۶ گز حد فاصل خط مفروض مستقیم بین میله ها و محدود است به اراضی منبران پلاک ۱۹۴ اصلی دوم از میله ۳۶ تا میله ۳۷ به طول ۲۳۰ گز از میله ۳۷ تا میله ۳۸ به طول ۱۹۴ گز و از میله ۳۸ تا میله ۳۹ به طول ۵۸۰ و از میله ۳۹ تا میله ۴۰ به طول ۳۶۸ و از میله ۴۰ تا میله ۴۱ به طول ۴۹۷ گز حد فاصل خط مفروض مستقیم بین یله ها است محدود است به اراضی احمد آباد پلاک ۲۹۹ اصلی سوم از میله ۴۱ تا میله ۴۲ به طول ۱۷۰ متر بر میله ۴۲ تا میله ۴۳ به طول ۸۰ گز و از میله ۴۳ تا میله ۴۴ به طول ۸۷ است گز از میله ۴۴ تا میله ۴۵ به طول ۱۴۰ گز و از میله ۴۵ تا میله ۴۶ به طول ۹۰ گز و از میله ۴۶ تا میله ۴۷ و طول ۱۰۰ یزد و از میله ۴۷ تا میله ۴۸ به طول ۴۷ گز و از میله ۴۸ تا میله ۴۹ به طول ۱۶۵ گز و از میله ۴۹ تا میله ۵۰ به طول ۲۷۶ گز و از میله

مسئله تقویم را نیز باید به استیلا و استعمار جدی و آزار بخش احمد آرمانی



درنگ

آتشی که خشک و تر را با هم می‌سوزاند!

سیداحمد موسوی | من یک مهاجرم! ۴۰ سال است که مهاجرم! از زمانی که ناخواسته، با شهر مهاجر بر پیشانی در ایران به دنیا آمدم، تا زمانی که برای نخستین بار پای به مدرسه گذاشتم و تازه فهمیدم مهاجر بودن واقعاً چه مفهومی دارد؛ و حالا که در دهه چهارم زندگی‌ام به عنوان یک مهاجر، باید به پرسش فرزند کوچکم جواب دهم که با چشمانی پراشک می‌پرسد: «بابا، چرا پسر همسایه می‌گوید شما خائن و نمک‌شناس هستی؟».

واقعاً چه جوابی به او بدهم که برایش قابل درک باشد. این پرسش با تمام پرسش‌هایی که خودم در دوران کودکی با آن مواجه بودم فرق دارد... شاید بعضی‌ها به ما هر چیزی می‌گفتند، هر طعنه‌ای می‌شنیدیم و هر مشکلی را تحمل می‌کردیم، اما این یکی فرق دارد! این وصله ناجور دیگر خارج از تاب و تحمل است! ما ۴۰ سال است که در این جامعه و در کنار همین مردم زندگی کرده‌ایم؛ خوشی و تلخی‌های زیادی را در کنار یکدیگر سپری کرده‌ایم؛ شریک غم همدیگر بوده‌ایم؛ در بلایا، در مصیبت‌ها، در جنگ‌ها و... با وجود همه تفاوت‌ها، ما خود را پاره‌ای از همین ملت احساس کرده‌ایم و می‌کنیم. با چنین احساسی چطور می‌توان انگ خیانت و نمک‌شناسی را تحمل کرد؟

اینکه‌می‌گویند عده‌ای از مهاجران در جنگ اخیر اعمال خائنانه‌ای انجام داده‌اند، شاید درست باشد، اما پرسش من این است که این‌ها چه تعداد از کل جمعیت مهاجران را تشکیل می‌دهند؟ ۲۰درصد؟ ۱۰درصد؟ ۵درصد؟ یک درصد؟ فکر نمی‌کنم به تناسب جمعیت مهاجران، حتی به رقم ۰/۰۱ درصد (کمتر از ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر) هم برسد. قبول است! وجود حتی همین تعداد اندک هم جای هیچ توجیهی ندارد، اما چرا باید اقدام‌های این اندک خائنانی را که احتمالاً سابقه وطن‌فروشی در کشور خود را هم دارند، این گونه در بوق و کرنا کرد و به تمام جامعه مهاجران افغانستانی تسری داد؟ هدف این کار چیست؟ چیزی غیر از تشدید شکاف‌های اجتماعی میان مهاجران و جامعه میزبان و افزایش جو ناآرامی و بی‌امنیتی در ایران است؟

پرسش دوم من در مورد منابع اخبار دروغ منتشر شده در دوران جنگ است؛ یک روز یک خبر تکان دهنده منتشر می‌شود که ۳۰۰ تا ۴۰۰ تبعه خارجی در تونل‌هایی در زیر ساختمان‌های نظامی تهران دستگیر شده‌اند و روزی دیگر از دستگیری ده‌ها جاسوس و مزدور تبعه افغانستان در مشهد خبر می‌دهند. در طول ۱۲ روز جنگ، ده‌ها خبر ریز و درشت دیگر از این دست انتشار یافت، بدون آنکه در مورد صحت و سقم آن‌ها اطلاعات دقیقی در دسترس باشد و یا درستی آن‌ها قابل راستی‌آزمایی باشد. اکنون که التهابات فروکش کرده و دسترسی به منابع معتبر امکان‌پذیر شده است، می‌بینیم که اغلب این اخبار پایه و اساس درستی نداشته و بر مبنای یکسری شایعات و یا منابع نامعلوم گسترش یافته‌اند. با این حال این شایعات و یا اخبار نادرست، اثر تخریبی خود را در سطح جامعه بر جای گذاشته‌اند. حالا جاقوی مهاجرستیزان دسته پیدا کرده و مجامع حامی مهاجران در برابر سیل تهمت‌ها و افتراهای فراگیر در جامعه، به گوشه رینگ پرتاب شده‌اند. در این شرایط آیا لازم نیست برای رفع برخی از این شبهه‌ها و یا آشکارسازی منابع انتشار این اتهام‌های بعضاً بی پایه و اساس، اقدام‌های اطلاع‌رسانی و یا قضایی انجام گیرد؟ آیا باید همه جامعه مهاجر قربانی این تهمت‌افکنی و نفرت‌پرانی شوند که معلوم نیست چه نییتی در پس پرده آن وجود دارد؟ آیا باید خشک و تر را در این آتش به پا شده با هم سوزاند؟

در آخر، صحبتی هم با مسئولانی دارم که مستقیماً با حوزه مهاجران سر و کار دارند. قانونی‌سازی روند حضور مهاجران و یا اخراج مهاجران غیرقانونی در هر کشوری و از سوی هر دولتی، امری غیر قابل مذمت و حتی لازم است، اما بدون شک همین روند هم ملاحظات انسانی و حتی سیاسی و اجتماعی خود را می‌طلبد؛ ملاحظه آنکه انجام این روند در راستا و در واقع در روند تأیید تهمت‌های عمومی به کلیت جامعه مهاجران قرار نگیرد. دیگر آنکه این جمعیت مهاجر، هر چند غیرقانونی، اغلب از قربایت‌های زبانی، اجتماعی و حتی مذهبی با ایران برخوردار هستند. بنابراین فرایند اخراج آن‌ها از کشور باید بر اساس ملاحظاتِی انجام گیرد تا مبادا در آینده، آن‌ها در خارج از ایران و بر مبنای خاطرات تلخی که برایشان به وجود آمده است، به یک جامعه هدف برای دشمنان نظام اسلامی تبدیل شوند.

در نهایت آنکه، این موضوع موجب شده روند جدیدی از چالش‌ها برای مهاجران قانونی نیز از سر گرفته شود. قطع یک‌باره و همزمان سیم‌کارت‌های مهاجران قانونی در کلانشهرهایی چون تهران و مشهد از یک سو و عدم دسترسی به سامانه‌های مورد نیاز برای بازگشایی سیم‌کارت‌ها (مانند سامانه کد فیدا) از سوی دیگر، هم اکنون اوضاع آشفته‌ای را چه برای آن‌ها و چه برای مردم پاسخ‌گویی به وجود آورده است. در شرایط حساس فعلی، ازدحام ناخواسته مهاجران در این مراکز بار روانی و اضطراب جامعه میزبان را هم دوچندان کرده و می‌تواند به واکنش‌ها و یا حتی تقابل‌های ناخواسته‌ای منجر شود. اگر هدف ایجاد هر نوع سامانه‌هی است، این سامانه‌هی می‌تواند در گستره زمانی وسیع‌تر، فضایی آرام‌تر و در سایه تأمین مناسب‌تر زیرساخت‌ها انجام گیرد. آنچه در مجموع باید گفت این است که روند فعلی و کلی برخورد و یا برخی تصمیم‌ها در حوزه مهاجران ممکن است از آسیب‌دشمنان ریخته‌ورمینه سوءاستفاده آن‌ها را چه در داخل و چه در خارج از ایران فراهم کند.

با این حال، یک بار دیگر یادآوری می‌کنم که اکثریت قریب به اتفاق مهاجران به پای ایران و جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و خواهند ایستاد. پس به آن‌ها، حتی غیرقانونی‌هایی که باید از کشور اخراج شوند، به چشم سفیران و همراهان فرهنگی و تمدنی نگاه کنید که روزی به پای این تمدن بزرگ ایران زمین ایستاده و یا خواهند ایستاد.

آیین بزرگداشت شهدای اقتدار ایران در مصلای امام خمینی ^{چهارشنبه ۱۲}

آیین بزرگداشت شهدای اقتدار ایران در جنگ تحمیلی ۱۲روزه، دیروز با حضور مردم و جمعی از مسئولان لشکری و کشوری از جمله رؤسای قوای سه‌گانه در مصلای بزرگ امام خمینی(ره) تهران برگزار شد. مراسم مذکور با هدف گرامیداشت یاد و خاطره شهدای مقاومت و تجلیل از دل‌وری‌ها و

فداکاری‌های نیروهای مسلح کشور در برابر تهدیدهای رژیم صهیونیستی برگزار شد.قالییاف،رئیس مجلس در این مراسم در سخنانی گفت:شهدای جنگ ۱۲روزه با رژیم جعلی، جنایتکار و کودک‌کش صهیونیست راهی را گشودند که نه در گذشته متوقف می‌شود و نه به امروز محدود خواهد شد بلکه برای آینده‌ای است که همه ما برای آن آینده آماده‌می‌شویم.

ابلاغ قانون تعلیق همکاری با آژانس توسط رئیس جمهور

رئیس جمهور، قانون تعلیق همکاری با آژانس انرژی هسته‌ای را ابلاغ کرد.
قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با سازمان (آژانس) بین‌المللی انرژی هسته‌ای (اتمی) در جلسه علنی مورخ ۴/۴/۱۴۰۴ مجلس به تصویب رسیده‌بود. مسعود پزشکیان، این ابلاغیه را خطاب به سازمان انرژی اتمی



نفوذی یا الجستیک عملیات‌های خرابکارانه‌بوده‌است.

■ دیپلماسی فعال یا انفعال خطرناک؟

در این میان، تماس‌های تلفنی و پیام‌های دیپلماتیک گرچه بخشی از مناسبات بین‌دولت‌هاست، امانت‌ناسته‌تردیده‌ها و نگرانی‌های جدی جامعه ایرانی را رفع کند. از این رو، سفر رئیس جمهور ایران تنها زمانی می‌تواند دستاورد به حساب آید که حامل هشداری قاطع به دولت علی‌اف باشد. در غیر این صورت این اتفاق از منظر افکار عمومی، نوعی مماشات با تهدیدهای آشکار امنیتی از گذرگاه همسایه شمال غربی تعبیر خواهد شد.

با این اوصاف اینکه رئیس جمهور در سفر اخیر باید چه پیامی به‌باکو بدهدموضوعی مهم است که نمی‌توان نسبت به آن بی تفاوت بود. در همین ارتباط دکتر حمید حکیم،

کارشناس مسائل اوراسیا در گفت‌وگو با قدس، ابهام‌ها درباره نقش باکو در تجاوزهای اخیر دشمن صهیونیستی را نگران‌کننده توصیف کرد و گفت: فهرست بلندبالایی از رفتارهای نامناسب جمهوری آذربایجان علیه ایران در سه دهه اخیر وجود دارد. از نظامی‌سازی در پای خزر گرفته تا خرید گسترده تسلیحات و افزایش بودجه نظامی که این کشور همواره جزو ۱۰ کشور نخست منطقه‌بوده‌است.

وی با یادآوری همکاری‌های امنیتی باکو با گروهک‌های ضدانقلاب مانند منافقین، استفاده رژیم صهیونیستی از فضای هوایی جمهوری آذربایجان در حملات علیه ایران و حمایت گسترده تل آویو از باکو، افزود: این اقدام‌ها همراه با اظهارات تند برخی چهره‌های سیاسی آذری و رسانه‌ایشان، نشان‌دهنده عمق اختلافات



ایران، شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه صادر کرده‌است. در این ابلاغیه آمده‌است: در اجرای اصل صد و بیست و سوم قانون اساسی به پیوست قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای که در مجلس تصویب و در تاریخ ۴/۴/۱۴۰۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده‌برای اجرا ابلاغ می‌شود.

تحلیلی بر سفر رئیس جمهور به جمهوری آذربایجان، آن هم در این مقطع مهم زمانی

پزشکیان چه پیامی باید به باکو بدهد؟

و تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی است. رفتارهای همسایه شمال غربی در هفته‌های اخیر و پیشینه طولانی مدت آن کشور در زمینه نقض الزامات همسایگی، نشان‌دهنده بی توجهی باکو به اصول همسایگی و سیاست‌های منطقه‌ای تهران است.

این کارشناس سیاسی درباره سفر رئیس جمهور کشورمان به باکو و اینکه در این حضور انعکاس چه پیامی باید مدنظر بالاترین مقام اجرایی کشور باشد، عنوان کرد: این سفر اگرچه در چارچوب سیاست‌های همسایگی و حسن همجواری قابل ارزیابی است، اما باید در کنار آن رویکرد جدی و حساب شده‌ای نیز با جمهوری آذربایجان صورت گیرد. باکو باید بداند حسن همجواری به هر قیمتی قابل ادامه نیست و گذر از خطوط قرمز امنیتی ایران پاسخی سخت و اقدام‌های بازدارنده‌ای به دنبال خواهد داشت.

حکیم خاطر نشان کرد: سفر پزشکیان حامل پیام‌های آشکار و پنهانی به دولت باکو است. ایران به روشنی اعلام می‌کند اگر باکو از الزامات امنیتی و همسایگی تخطی کند، تبعات سنگینی در انتظار آن خواهد بود. جمهوری اسلامی همچنین تأکید دارد هر گونه تهدید از پایگاه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا در کشورهای متخاصم، هدف اقدام‌های متقابل خواهد بود و این پیام‌ها مستقیماً به رئیس جمهور آذربایجان نیز منتقل شده‌است. در نهایت اینکه با وجود تکذیب‌های باکو، شواهد و مستندات فراوانی دال بر شیطنت‌های آذربایجان علیه ایران وجود دارد و تهران آمادگی دارد در صورت لزوم پاسخ‌های قاطع و سختی ارائه دهد. در نهایت اینکه در بازتاب نارضایتی تهران از اقدام‌های باکو، سطح حضور ایران در رویداد اخیر می‌توانست در حد وزیر امور خارجه باقی بماند؛ اما حال که رئیس جمهور شخصاً در این حضور بوده‌است، انتظار عمومی آن است که این حضور با ارسال پیام‌های روشن و صریح درباره خطوط قرمز امنیتی کشور همراه باشد، نه آنکه به یک قاب تشریفاتی یا اثر تقلیل باشد!

یادداشت

فرصت طلایی روایت جنگ ۱۲روزه را از دست ندهیم

با رژیم نامشروع صهیونی به عنوان بزرگ‌ترین دشمن جهان اسلام و دنیای عرب، فرصت مهمی برای بازطراحی چهره ایران به عنوان دوست و همپیمان کشورهای منطقه در تقابل با مهم‌ترین دشمن آن‌هاست. این‌جاست که باید تمرکز ویژه‌ای روی تقویت سک‌های رسانه‌ای عرب‌زبان و حتی اردوزبان و انگلیسی‌زبان برای ارتباط با افکار عمومی کشورهای منطقه شکل گیرد. در وهله نخست، تقویت شبکه‌های برون‌مرزی دعوت با تغییر رویکرد را فضایی تبلیغاتی و شعارزده به فضای تعاملی با نخبگان جهان اسلام و ترویج ادبیات ضرورت مواجهه با دشمن مشترک ضروری است اما در کنار آن استفاده هر چه بیشتر از رسانه‌های پرنفوذ منطقه‌ای از جمله الجزیره و راپرتی برای حضور چهره‌های شناخته شده از کشورمان در این شبکه‌ها برای تبیین چرایی و چگونگی مواجهه جمهوری اسلامی ایران با تهاجم رژیم صهیونیستی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین باید مجال بسیار بیشتری برای فعالیت رسانه‌های منطقه در ایران فراهم شود و حتی دعوت از چهره‌های رسانه‌ای شناخته شده و ضدجنگ جهان در ایران نیز در دستور کار قرار گیرد تا از همه ظرفیت‌های لازم برای روایت حقانیت، اقتدار و در عین حال مظلومیت جمهوری اسلامی ایران در این جنگ استفاده شود.

یادداشت

روایت یا واقعیت؟

روایت‌ها تنها بخشی از واقعیت سیاسی - اجتماعی را شکل می‌دهند و به همین میزان تأثیرگذارند. ارزیابی میدان نبرد نیز بر اساس همین واقعیت‌ها انجام می‌شود تا در نهایت، طرفین را به تخمین ریسک و اخذ تصمیم‌های راهبردی برای تداوم جنگ یا تفاهم صلح وادار کند. به نظر می‌رسد عملیات‌های نظامی سال‌های اخیر کشور، از حمله به عین‌الاسد تا وعده‌های صادق، علاوه بر اینکه همگی واکنشی پاسخ‌به تعرض‌های دشمن بوده، وجه روایت‌گرایانه پرنرنگی نیز داشته که اثرگذاری واقعی آن را به حاشیه برده است. از این رو با وجود ارزشمندی عملیات‌ها و وارد کردن ضرباتی به دشمن، نتوانسته ریسک واقعی دشمن را افزایش دهد و او را از پیشروی و تشدید حملاتش بازدارد. این خطر وجود دارد که مواجهه ما با دشمن، بیشتر از موضع روایت‌سازی برای افکار عمومی باشد، نه وارد کردن ضربه مؤثر. چنین مواجهه‌ای گرچه افکار عمومی داخلی را در کوتاه‌مدت همراه می‌کند، ولی ممکن است با گذر عین‌کافی بر توان و استعداد دشمن یا میزان تاب‌آوری او نداشته باشد و هدف مهم بازدارندگی که تضمین‌کننده امنیت ملی هست را محقق نکند. این مسئله در سیاست خارجی نیز نمود داشته و گاه سیاست خارجی را به جای استفاده از منابع قدرت و جلب منافع واقعی، به ترمیم چهره کشور، اثبات مظلومیت ایران و بد اخلاقی طرف مقابل و نهایتاً در یافت جام اخلاق تقلیل داده است. امری که در هنگامه عدم تحقق اهداف برجام، مورد اعتراض رهبر معظم انقلاب نیز واقع شد. به نظر می‌رسد برقراری موازنه‌ای میان روایت و واقعیت برای ادامه جنگ ضروری باشد.

محمد ولیان پور | روایت رسانه‌ای

گرچه مفهومی جدید است، ولی پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد تا جایی که می‌گویند تاریخ، همان روایت فاتحان از واقعیت است. اما در عصر ارتباطات، روایت‌ها برای نسل‌های بعدی در کتاب‌ها بایگانی نمی‌شوند، بلکه در لحظه خود را به مخاطب می‌رسانند و واقعیت‌ها را می‌سازند. در رقابت‌ها و جنگ‌ها، روایت‌های طرفینی «جنگ روایت‌ها» را شکل می‌دهند تا روایت اول و برتر، پیروز زودهنگام معادلات را به افکار عمومی معرفی کند. روایت‌هایی که ممکن است حتی نسبت زیادی هم با واقعیت نداشته باشند. درباره اهمیت روایت بسیار گفته شده‌و این نوشتار هم بنای تکرار ندارد، بلکه می‌خواهیم درباره نسبت روایت و واقعیت و اثرات هر کدام بر میدان و تصمیم‌های طرفین جنگ گفت‌وگو کنیم.

روایت رسانه‌ای، جهت دادن به نگاه مخاطبان را دنبال می‌کند؛ تصویری که در بهترین حالت بخشی از واقعیت یا زاویه خاصی از ماجرا را نشان می‌هد تا کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌اش را. از انسجام ملی و انگیزه بخشی به نیروهای مسلح تا جنگ روانی و دیپلماسی و مرزهای باریکی هم دارد با انتشار دروغ و بر باد دادن اعتماد عمومی. روایت‌ها گرچه در کوتاه‌مدت حتی بر واقعیات میدانی نیز مؤثرند، اما هیچ‌گاه جای واقعیات را نمی‌گیرند و کمتری می‌توانند راهبردهای میدانی دشمن را تغییر دهند. این واقعیت‌های میدانی و توان رزمی و تدافعی نیروهای خودی و دشمن و البته پشتوانه مردمی هستند که مبنای تصمیم‌گیری راهبردی قرار می‌گیرند

مهدی حسن‌زاده | اگرچه نمی‌توان فعلاً از بسته شدن

پرونده جنگ ۱۲روزه سخن گفت و باید در کمال هوشیاری و آمادهباش نظامی، امنیتی و اجتماعی، هر لحظه منتظر تجاوزگری دشمن خونخوار باشیم، اما روایت آنچه در این مدت گذشت ضروری است. این روایت‌گری مبتنی بر سه مؤلفه مهم است: نخست روایان، دوم محتوای روایت و سوم سکوی روایت‌گری. به نظر می‌رسد در هر سه بخش نیازمند تجدید سازمان و ارتقای بهره‌وری از داشته‌های موجود و خلق فرصت‌های جدید هستیم.

این برهه بسیار مهم تاریخ ایران مانند دیگر برهه‌ها، سال‌ها بعد؛ که همین حالا در حال روایت شدن است. اینکه روایت ما از این نبرد مهم چه بود نیاز به این دارد که روایان جنگ ۱۲روزه را بشناسیم و مجال روایت‌گری را برای آن‌ها فراهم کنیم. به یاد بیاوریم در روز نخست جنگ که با خبر هولناک حمله دشمن و ترور جمعی از فرماندهان نظامی و دانشمندان مواجه شدیم، نخستین پیام رهبر معظم انقلاب و سپس در میانه جنگ و جایی که ترامپ دعوت به تسلیم کرده بود، پاسخ محکم فرمانده کل قوا چگونه دل‌های مردم را در مسیر مقاومت علیه دشمن مستحکم کرد. در نهایت یک روز پس از

نزارش

نقشه شوم به کارگردانی صهیونیست‌ها

و باز یگری سلطنت‌طلبان

اگر موارد مذکور را در کنار موضوع دستگیری ۵۰ تن از عناصر تروریست و جاسوس رژیم صهیونی در سیستان و بلوچستان که دیروز از سوی قرارگاه قدس سیاه پاسداران درباره آن اطلاع‌رسانی شد بگذاریم، همه چیز از یک طراحی پشت پرده پلیدانه برای دامن زدن به ناامنی در کشورمان با کمک مزدوران داخلی آن‌ها حکایت دارد. وضعیت گروهک تروریستی منافقین که روشن است اما جالب اینکه در حالی که شازده فراری با انتشار پیام‌های ربگباری در دو سه هفته اخیر سعی داشت این گونه وانمود کند که «تجاوز به خاک ایران جنگ ملت نه بلکه جنگ جمهوری اسلامی است» اما شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی دیروز افشا کرد رضا پهلوی باره‌ایه تنهایی‌ها گفته‌بود به ایران حمله نظامی کند! روسپاهی خدادهای اخیر برای سلطنت‌طلبان و منافقین در شرایطی در تاریخ به یادگار خواهد ماند که خود منابع غربی چنین سناریو نویسی علیه ایران را خیال پردازی مطلق می‌دانند. در این مسیر پایگاه خبری تحلیلی «ریسپانس‌سیل استیت کرفت» مستقر در واشنگتن نوشت: برندا شفر - همسوبا تل آویو- سال‌هاست برای تجزیه ایران بر اساس خطوط قومی، شبیه به فروپاشی یوگسلاوی سابق تلاش کرده است. با این حال، ایران یک ملت ۹۰ میلیونی با حس عمیقی از هویت تاریخی و فرهنگی است. لذا غرب به جای غرق شدن در خیال پردازی‌ها، باید تعامل عمل‌گرایانه با جمهوری اسلامی را دنبال کرده و از توهم تجزیه ایران دست بردارد.

هلاکت چهار صهیونیست در کمینی در شجاعیه غزه

یک فرمانده میدانی در گردان‌های قدس گفت: ما یک عملیات ترکیبی با هدف قرار دادن سربازان و خودروهای دشمن در شرق محله الشجاعیه انجام دادیم. عملیات با انفجار یک میدان مین در خودروهای مهاجم آغاز شد و سربازان و افسران را مجبور کرد به‌طور سراسیمه وارد خانه‌های اطراف شوند.

به خودروها، افسران و سربازان هدف قرار گرفته تلفات وارد کردیم که منجر به کشته شدن حداقل چهار و زخمی شدن تعدادی صهیونیست شد. رزمندگان نیروهای مستقر در داخل خانه‌ها را با یک موشک هدایت‌شونده و به دنبال آن یک موشک ضد استحکامات هدف قرار دادند. این فرمانده تأکید کرد: هدف را غافلگیر کردیم و از فاصله بسیار نزدیک درگیر شدیم.

شرط پاکستان برای پیوستن به توافق ابراهیم!

محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان اعلام کرد در صورت وارد آمدن فشارهایی بر اسلام‌آباد برای پیوستن به توافقات عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی موسوم به توافقات ابراهیم، این کشور تصمیمات خود را براساس منافع ملی خواهد گرفت. آصف با تأکید بر موضع اصولی دولت

قاره سبز چگونه توانسته بزرگ‌ترین مسئله اجتماعی اش را به فرصت تبدیل کند؟

بهره‌برداری‌های اروپا از معضل مهاجران



لنیک پندار | شاید باورش سخت باشد اما موضوع مهاجران غیرقانونی بیش از آنکه برای ایران یک مسئله باشد برای اتحادیه اروپا و آمریکا به یک معضل تبدیل شده است. سالانه میلیون‌ها مهاجر از کشورهای مختلف راهی کشورهای اروپایی می‌شوند و طبق آمار مختلف والیته میهم، ۷۰ تا ۸۰ درصد آن‌ها هم دستور اخراج می‌گیرند. به‌عنوان مثال در پنج سال گذشته به‌طور متوسط هر سال ۵۰۰ هزار مهاجر غیرقانونی از اتحادیه اروپا اخراج و حدود ۱۰۰ هزار نفر هم به کشور سومی منتقل شده‌اند. یکی دیگر از معضلات اتحادیه اروپا در این زمینه بودجه عظیمی است که شناسایی و اخراج مهاجران غیرقانونی روی دست کشورهای اتحادیه گذاشته و حتی هنوز برآورد دقیقی از آن وجود ندارد.

■ **فرصت‌هایی که اروپا در مهاجران می‌بیند**

با این همه، به‌طور عمومی کشورهای اتحادیه اروپا مهاجرت را به‌عنوان فرصتی برای رفع برخی چالش‌های اقتصادی و اجتماعی خود هم می‌بینند. مهم‌ترین فرصت‌ها عبارت‌اند از: **تأمین نیروی کار در بخش‌های کلیدی**: مهاجران به‌ویژه در کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و اسپانیا، در بخش‌هایی مانند کشاورزی، ساخت‌وساز و خدمات بهداشتی و اجتماعی که با کمبود نیروی کار بومی مواجهند، نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای مثال، در ایتالیا، منطقه پارته در نزدیکی ناپل به دلیل کشاورزی پررونق خود، مقصد مهاجرانی مانند موتاز از مصر است که برای کار به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. **تقویت اقتصاد و افزایش رشد**: مهاجران با مشارکت در بازار کار به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. بر اساس گزارش یورونیوز، کشورهایی مانند اسپانیا که در سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۴۰ هزار شهروندی به مهاجران اعطا کرده‌اند، از نیروی کار مهاجر برای تقویت اقتصاد خود بهره‌برده‌اند. این امر به‌ویژه در بخش‌هایی مانند کشاورزی و فناوری اطلاعات مشهود است. **تنوع فرهنگی و نوآوری**: مهاجران با آوردن دیدگاه‌های جدید

و مهارت‌های متنوع، به نوآوری در کشورهای میزبان کمک می‌کنند. برای مثال، در سوئد، اگرچه چالش‌هایی در زمینه ادغام وجود دارد، اما مهاجران در بخش فناوری و استارت‌آپ‌ها نقش مثبتی ایفا کرده‌اند. **حل مشکلات جمعیتی**: بسیاری از کشورهای اروپایی با پیروی جمعیت و کاهش نرخ زادوولد مواجه هستند. مهاجرت به‌عنوان راه‌حلی برای جبران کاهش نیروی کار جوان در کشورهایی مانند آلمان و ایتالیا دیده می‌شود. آلمان به‌عنوان دومین حامی نظامی اوکراین، از مهاجران اوکراینی برای پر کردن شکاف‌های نیروی کار استفاده کرده‌است.

حمایت از سیستم‌های اجتماعی: مهاجران با پرداخت مالیات در کشورهای مانند فنلاند و پرتغال به تأمین مالی سیستم‌های رفاهی و بازنشستگی کمک کرده‌اند.

■ **سیستم جذب مهاجران در کشورهای اتحادیه اروپا**

سیستم جذب مهاجران در کشورهای اتحادیه اروپا بسته به سیاست‌های ملی و نیازهای هر کشور متفاوت است، اما به‌طور کلی شامل موارد زیر است: **سیستم‌های مبتنی بر نیازهای بازار کار**: کشورهایی مانند آلمان و سوئد از سیستم‌های امتیازبندی یا نیازمحور برای جذب مهاجران ماهر استفاده می‌کنند. آلمان با برنامه‌های مهاجرتی خود، مهاجران متخصص در زمینه‌های فناوری، پزشکی و مهندسی را جذب می‌کند. **پناهندگی و مهاجرت بشردوستانه**: بسیاری از کشورها مانند فرانسه، آلمان و ایتالیا سیستم‌های پناهندگی را برای جذب افرادی که از جنگ یا آزار و اذیت فرار کرده‌اند، دارند. بااین‌حال، این سیستم‌ها اغلب با بررسی‌های سخت‌گیرانه همراه‌اند. برای مثال، در ایتالیا، توافق نامه با آلبانی برای ایجاد مراکز پذیرش مهاجران غیرآسیب‌پذیر از کشورهای «امن» امضا شده‌است، اما این توافق به دلیل نگرانی‌های حقوقی متوقف شده‌است. **برنامه‌های ادغام**: برخی کشورها مانند سوئد و دانمارک برنامه‌های ادغام را اجرا می‌کنند که شامل آموزش زبان، آموزش

حرفه‌ای و کمک به یافتن شغل است. بااین‌حال، سوئد به‌تازگی اعلام کرده به دلیل مشکلات ادغام، کمک‌های مالی برای بازگشت داوطلبانه مهاجران را از ۹۰۰ یورو به ۳۲ هزار یورو افزایش داده است. **سیاست‌های شهروندی**: برخی کشورها مانند فنلاند، فرانسه، ایرلند و پرتغال شرایط شهروندی را با اقامت پنج‌ساله تسهیل کرده‌اند، درحالی‌که کشورهایی مانند ایتالیا، سوئیس و اسلونی نیاز به ۱۰ سال اقامت دارند.

■ **چگونگی اخراج مهاجران غیرقانونی**

از طرفی واقعیت این است بیش از ۷۰ درصد مهاجران با ملیت‌های مختلف که وارد اتحادیه اروپا می‌شوند شناسایی شده و دستور اخراج می‌گیرند. براساس داده‌های یورواستات، در سه‌ماهه نخست ۲۰۲۵، تعداد ۱۲۳ هزار و ۹۰۵ شهروند غیراروپایی دستور خروج از کشورهای اتحادیه اروپا دریافت کردند و ۲۸ هزار و ۴۷ نفر به کشورهای سوم منتقل شدند. این آمار نسبت به سه‌ماهه نخست ۲۰۲۴ افزایش ۱۸/۴ درصدی در دستورات خروج و ۶/۴ درصدی در بازگشت‌ها را نشان می‌دهد. اما دستور اخراج تنها راه بیرون کردن مهاجران از کشورهای اروپایی نیست. کشورهایی مانند سوئد و دانمارک با ارائه مشوق‌های مالی (مانند ۳۳ هزار یورو در سوئد) مهاجران را به بازگشت داوطلبانه تشویق می‌کنند. البته کمیسیون اروپا پیشنهاد ایجاد مراکز بازگشت در کشورهای سومی را هم داده است، مانند توافق ایتالیا و آلبانی که به دلیل مسائل حقوقی متوقف شد. کنترل مرزها هم یکی از اقدامات کلیدی اتحادیه اروپا برای ممانعت از ورود مهاجران غیرقانونی است. به‌ویژه در کشورهای عمقی اتحادیه این راهکار به‌خوبی جواب داده است. آژانس مرزی اتحادیه اروپا نقش کلیدی در شناسایی و اخراج مهاجران غیرقانونی دارد. در سال ۲۰۲۴، تعداد عبورهای غیرقانونی مرزی به ۳۹ هزار مورد کاهش یافت که پایین‌ترین میزان در سه‌سال اخیر است. در ایران، مرزهای طولانی و متخلخل امکان ورود غیرقانونی و

حرکت به شهرهای داخلی را آسان‌تر می‌کنند، درحالی‌که در اتحادیه اروپا، سیستم‌های نظارتی پیشرفته‌تر و همکاری‌های بین‌المللی (مانند توافق با کشورهای بالکان) ورود و جابه‌جایی غیرقانونی را محدودتر کرده‌اند. بااین‌حال، همچنان بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ نفر در سال ۲۰۲۴ در تلاش برای عبور از مدیترانه مفقود یا کشته شده‌اند که نشان‌دهنده خطرات موجود است.

■ **ساختارهای دسترسی به مهاجران غیرقانونی**

کشورهای اتحادیه اروپا از طریق آژانس مرزی اتحادیه اروپا و همکاری با کشورهای غیرعضو (مانند بوسنی و هرزگوین) مرزها را کنترل می‌کنند. برای مثال، آلمان کنترل‌های مرزی زمینی با اتریش را تشدید کرده است. همچنین مهاجران غیرقانونی اغلب از طریق بررسی‌های پلیس، بازرسی‌های محل کار یا گزارش‌های شهروندی شناسایی می‌شوند. برخلاف ایران، جایی که مهاجران غیرقانونی ممکن است به راحتی وارد شهرهای عمقی شوند، در اتحادیه اروپا به دلیل نظارت شدیدتر مرزی و سیستم‌های ثبت دیجیتال، دسترسی به شهرهای داخلی دشوارتر است. بااین‌حال، مسیرهایی مانند بالکان غربی و مدیترانه همچنان چالش‌برانگیزند. در نهایت باید گفت کشورهای اتحادیه اروپا با گسترش افق نگاه خود به موضوع مهاجران، تلاش داشته‌اند این مسئله را به شکلی جامع و چندبعدی در نظر بگیرند. به‌همین دلیل است که این کشورها از مهاجرت برای رفع کمبود نیروی کار، تقویت اقتصاد و جبران مشکلات جمعیتی بهره‌می‌برند، اما چالش‌هایی مانند ادغام و مدیریت مهاجرت غیرقانونی همچنان پابرجاست. سیستم‌های جذب مهاجران براساس نیازهای بازار کار و سیاست‌های پناهندگی طراحی شده‌اند، درحالی‌که اخراج مهاجران غیرقانونی از طریق دستورات خروج، مشوق‌های مالی و کنترل‌های مرزی انجام می‌شود. نظارت شدیدتر و سیستم‌های دیجیتال در اتحادیه اروپا، در مقایسه با ایران، ورود و جابه‌جایی مهاجران غیرقانونی را دشوارتر کرده‌است، اما مسیرهای غیرقانونی همچنان چالش‌هایی ایجاد می‌کنند.

پاکستان اظهار کرد: شرط ما برای هرگونه به‌رسمیت‌شناختن اسرائیل، تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی با پایتختی قدس است. وزیر دفاع پاکستان همچنین از حمایت کشورش از ایران در جریان درگیری اخیر با رژیم صهیونیستی خبر داد و خاطرنشان کرد: اسلام‌آباد در شرایط حساس منطقه‌ای، سیاستی متوازن و مستقل در پیش گرفته‌است.

گزارش

«زرادخانه خالی» آمریکا

و قربانی اوکراین پیش پای اسرائیل

فاطمه کامیاب | در روزهای اخیر پس از جنگ ۱۲ روزه، رسانه‌های صهیونیستی از رو به پایان بودن برخی تسلیحات حساس به‌ویژه موشک‌های رهگیری‌کننده در جریان مقابله پدافند گنبد آهنین با موشک‌های ایرانی پرده برداشته بودند. در همین شرایط، وزارت دفاع آمریکا روز گذشته اعلام کرد ارسال سلاح به اوکراین به‌ویژه در برخی تسلیحات خاص متوقف خواهد شد. اقدامی که اوکراین را در مقابله با روسیه به‌ویژه در زمانی که این کشور با موج بی‌سابقه‌ای از حملات هوایی روسیه مواجه است، دچار نگرانی کرد. کی‌یف سفیر آمریکا در اوکراین را احضار کرد تا واکنشکن در مورد این اقدام به‌صورت فوری توضیح دهد. مهم‌ترین تسلیحات ارسالی، موشک‌های دفاع هوایی پاتریوت، گلوله‌های توپخانه دقیق و موشک‌های هلفایر بودند که با توجه به ادعای پنتاگون مبنی بر کمبود شدید ذخایر داخلی آمریکا، ارسال آن‌ها متوقف شد. در مقابل، دیمیتری پسکوف، سخنگوی روسیه در واکنش به این اقدام گفت معتقد است کاهش یا تعلیق ارسال سلاح از غرب به اوکراین به درگیری‌ها پایان خواهد داد.

■ **چرا سلاح‌ها به اوکراین نرفت؟**



این تصمیم توسط رئیس سیاست‌گذاری پنتاگون در راستای امنیت ملی و آمادگی برای درگیری‌های احتمالی به‌ویژه در خاورمیانه گرفته شده است. اقدامی که نشان‌دهنده نگرانی‌ها در مورد توپخانه فرسوده، موشک‌های پدافند هوایی و مهمات هدایت‌شونده دقیق است که به دلیل استفاده زیاد در اوکراین و خاورمیانه تشدید شده است. این ذخایر پس از سال‌ها ارسال سلاح به اوکراین برای دفاع در برابر روسیه و همچنین نزدیک به دو سال عملیات نظامی در خاورمیانه در جریان جنگ با انصارالله یمن و دفاع از اسرائیل در برابر ایران، به پایان رسیده است. به گفته کارشناسان آمریکایی، تصمیم ایالات متحده برای توقف برخی محموله‌های اوکراین ناشی از مدیریت استراتژیک منابع و تلاش دیپلماتیک برای صلح است. کاهش ذخایر برای اوکراین می‌تواند دفاع آن را تضعیف کند و آن‌ها را به سمت مذاکرات صلح سوق بدهد، در حالی که عدم کمک‌رسانی به اسرائیل و تضعیف آن در مقابل ایران خطر بزرگی برای متحد آن، آمریکا محسوب خواهد شد. مقامات اوکراینی استدلال می‌کنند نیروهای آمریکایی به‌طور فعال از اسرائیل در برابر موشک‌های ایران دفاع می‌کنند اما از اوکراین در برابر حملات روسیه دفاع نمی‌کنند که عمده‌تأ به دلیل قابلیت‌های هسته‌ای روسیه در مقابل فقدان آن در ایران است. برخی گمانه‌زنی‌ها نیز حاکی از این است مهمات از اوکراین به اسرائیل منتقل خواهد شد، اما هیچ مدرک قطعی این مسئله را تأیید نمی‌کند. اگرچه اولویت‌بندی ایالات متحده برای نیازهای دفاعی اسرائیل مشهود است.

آگهی نقل و انتقال شناورهای باری



اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

به استناد سند شماره ۵۴۴۵۰ شناسه ۱۴۰۴۱۱۴۵۳۹۱۷۰۰۰۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۳۲۰ آبادان اقایان جهاد حمداوی با شماره ملی ۱۸۱۵۴۰۲۱۳۱ نسبت به انتقال ۱۶/۶۶ سهم از ۱۰۰ سهم عباس حمداوی با شماره ملی ۵۸۵۰۰۵۱۸۱۳ نسبت به انتقال ۲۲/۴۲ سهم از ۱۰۰ سهم خانم رباب مظلومیان با شماره ملی ۱۸۱۶۰۶۴۳۳۵ با شماره ملی ۵۸۵۰۰۳۳۴۰۸ نسبت به انتقال ۳/۳۳ سهم از ۱۰۰ سهم یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۷۵۹۰- بوشهر خانم فاطمه حمداوی با شماره ملی ۵۸۵۰۰۲۰۸۶۱ به نسبت ۲ سهم از ۱۰۰ سهم خانم دنیا حمداوی با شماره ملی ۱۸۱۰۵۴۴۰۴۱ به نسبت ۴/۱۷ سهم از ۱۰۰ سهم آقای ابوالفضل حمداوی با شماره ملی ۵۸۵۰۰۶۰۵۲۹ به نسبت ۸/۳۳ سهم از ۱۰۰ سهم و خانم خیریه حمداوی با شماره ملی ۵۸۵۹۷۹۲۳۲۰ به نسبت ۶۱/۲۵ سهم از ۱۰۰ سهم اقدام نموده اند.مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

به استناد سند شماره ۲۵۷۴ شناسه ۱۴۰۴۱۱۴۵۳۹۱۷۰۰۰۰۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۳۰ آبادان آقای اکبر محمودی با شماره ملی ۱۷۳۲۴۲-۳۵۴ نسبت به انتقال ۶دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۸۵۳۹- بوشهر به آقای حسن مطوری با شماره ملی ۵۲۷۹۶۵۵۴۵ به نسبت ۳ دانگ خانم رحمت طیار محرمه با شماره ملی ۱۸۲۷۸۶۹۹۴۱ به نسبت ۳ دانگ و خانم سیده زهرا موسوی با شماره ملی ۱۸۱۰۱۱۱۰۷۲ به نسبت ۱دانگ اقدام نموده اند و مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

به استناد سند شماره ۷۲۷۲۳ شناسه ۱۴۰۱۱۱۴۵۳۲۵۸۰۰۰۰۶۴

مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۱ پارسیان آقای عبدالله حسن پور (مالک ۵۶ دانگ) با شماره ملی ۴۷۰۹۹۷۳۳۸۵ نسبت به انتقال ۶دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۶۶۴۲-بوشهر به آقای ابراهیم یازماندگان با شماره ملی ۵۴۴۹۹۲۲۶۴۹ اقدام نموده اند.مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

به استناد سند شماره ۴۹۹۸۴ شناسه ۱۴۰۳۱۱۴۵۳۹۱۷۰۰۰۱۴۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲۰ آبادان آقای مصطفی فاتحی پیکانی (مالک ۵ دانگ) با شماره ملی ۵۶۴۹۹۳۷۲۵۷ نسبت به انتقال ۶دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۷۶۹۴- بوشهر به آقای امین محمود نژاد با شماره ملی ۱۸۱۷۸۷۴۳۴۴ با نسبت ۱/۵ دانگ آقای علی مطوری با شماره ملی ۱۸۱۵۴۰۳۸۲۷ به نسبت ۲/۲۵ دانگ و آقای عبدالامیرمطوری با شماره ملی ۵۸۵۹۹۳۶۱۷۶ به نسبت ۱/۵ دانگ و آقای موسی مطوری با شماره ملی ۱۸۱۷۳۳۹۸۱۸ به نسبت ۰/۷۵ دانگ اقدام نموده اند. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

به استناد سند شماره ۵۴۲۸۴ شناسه ۱۴۰۳۱۱۴۵۵۷۶۵۰۰۰۱۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۵ قشم آقای عبدالجواد خلفان نسب (مالک ۶ دانگ) با شماره ملی ۳۴۵۰۰۲۰۵۸۷ نسبت به انتقال ۶دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۷۸۷۵- بوشهر به شرکت ساروج گستر کیش با شناسه ملی ۱۴۰۰۰۸۸۲۱۶ اقدام نموده اند . مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

به استناد سند شماره ۱۲۵۸۸ شناسه ۱۴۰۳۱۱۴۵۸۶۶۰۰۰۰۰۵۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۱۳ عسلویه آقای امین نصاری با شماره ملی ۵۴۰۷۸۴۲۳-۳۵۴نسبت به انتقال ۶ دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۸۴۱۰- بوشهر به آقای علی نصاری با شماره ملی ۵۸۵۹۳۲۶۹۴۷ اقدام نموده اند. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

پذیرشی ۳۷۰۸۸ آگهی

مهلته به مدارس غیردولتی برای اعلام شهری به

احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه ابلاغ شهر به مدارس غیردولتی در حال انجام است، به ایسنا گفت: فرصت ۴۵ روزه به همه مدارس استان‌ها داده شده تا شهریه خود را اعلام کنند.

مرگ ۱۸۰ ایرانی در روز به دلیل مصرف دخانیات

بهباز ولی‌زاده، رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت به مهر گفت: سالانه نزدیک به ۶۵هزار مورد مرگ مرتبط با مصرف دخانیات در ایران ثبت می‌شود که به‌صورت میانگین معادل روزانه نزدیک به ۱۸۰ مرگ است.

اعلام نتایج امتحانات نهایی یک ماه زودتر

به گزارش ایسنا، مصطفی آذرکیش، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش گفت: با وجود شرایط خاص کشور، فرایند تصحیح و اعلام نتایج امتحانات نهایی امسال یک ماه زودتر از سال گذشته به سرانجام رسید که نشان از تلاش بی‌وقفه فرهنگیان دارد.

www.qudsonline.ir
پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴
۱۳۴۷
۲ جولای ۲۰۲۵
سال سی و هشتم
شماره ۱۰۶۸۵

لمهدی توحیدی| «حجم انبوهی

از خدمات اجتماعی ارائه می‌شود، اما نه معلوم است این خدمات دقیقاً به چه کسانی ارائه می‌شود و نه ارائه آن‌ها موجب ایجاد رضایت اجتماعی می‌شود»؛

این انتقاد را چندی پیش رئیس جمهور در نشست شورای معاونان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی عنوان کرده بود.

مسعود پزشکیان از سامان یافتن ارائه خدمات اجتماعی در قالب طرح محله محوری گفته است و اینکه اجرای این طرح موجب توزیع هدفمند و اثربخش خدمات اجتماعی، عدالت، رفع ناترازی‌های انرژی و دیگر برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی خواهد شد.

اسکندر مؤمنی، وزیر کشور نیز به‌تازگی با اشاره به تجربه‌های گذشته، «محله‌محوری» را ایده تازه خوانده که ساختار تصمیم‌گیری و ارائه خدمات را به پایین‌ترین سطح مدیریتی یعنی محلات منتقل می‌کند.

مؤمنی می‌گوید: همان‌طور که از مرکز کشور یا استان نمی‌توان تمام مسائل را به‌طور دقیق پایش کرد، مدیریت محلات نیز باید به صورت محلی و با مشارکت مستقیم مردم انجام شود. در این چارچوب، تمامی نهادهای خدمت‌رسان همچون کمیته امداد، بهزیستی و بنیاد مستضعفان در قالب سامانه‌ای یکپارچه، اطلاعات خدمات ارائه شده به هر فرد و محله را ثبت خواهند کرد تا خدمات به صورت هدفمند و عادلانه ارائه شود.

وزیر کشور معتقد است مساجد، بقاع متبرکه، مدارس و خانه‌های بهداشت به عنوان پایگاه‌های محله‌محور، نقش کلیدی در شناخت مشکلات و ظرفیت‌های محله ایفا می‌کنند و با تفویض اختیارات بیشتر به مدیران محلی و مشارکت فعال مردم، این طرح جدید می‌تواند تجربه گذشته را تکمیل کند و گام مهمی در راستای بهبود حکمرانی محلی و عدالت اجتماعی در کشور بردارد.

■ **پیشینه طرح‌های محله‌محور در ایران**

طرح‌های محله‌محور در ایران بیش از دو دهه قدمت دارند و نخستین بار در دهه ۱۳۸۰ با هدف مدیریت امور فرهنگی، اجتماعی و ورزشی محلات و افزایش مشارکت مردمی در بسیاری از کلانشهرها به تصویب رسیدند. این طرح‌ها تلاش داشتند با بهره‌گیری از ظرفیت ساکنان محله و همکاری تمامی نهادهای مرتبط، مسائل شهری را به صورت محلی و نزدیک به مردم مدیریت کنند؛ با این حال، به دلیل ضعف هماهنگی میان دستگاه‌ها، نبود زیرساخت‌های لازم و محدودیت در تفویض اختیار، نتوانستند به اهداف مورد نظر برسند و موفقیت چشمگیری نداشتند.

عضو سابق شورای عالی شهرسازی و معماری کشور در این خصوص با اشاره به ساینقه تاریخی شکل‌گیری شهرهای ایران، اظهار می‌کند: شهرهای ما در گذشته بر پایه محلات شکل می‌گرفتند و این محلات تا حد زیادی خوداتکا بودند؛ به این معنا که امور محله با مشارکت مردم و بیشتر، خیران اداره می‌شد.

محمد صالح شکوهی بیدهندی در گفت‌وگو با قدس با بیان اینکه در هر محله عناصر کالبدی و اجتماعی مانند مسجد، آب‌انبار و تکیه به صورت مشارکتی و مردمی تأسیس و اداره می‌شد، می‌افزاید: محلات از نظر اجتماعی و قومی نیز دارای انسجام و پیوندهای قوی بودند و گاهی این پیوندها حتی تا روستاها، ایلات و عشایر اطراف نیز امتداد پیدا می‌کرد.

وی با اشاره به تحولات اجتماعی و کالبدی شهرها در دهه‌های اخیر، می‌گوید: در نتیجه مهاجرت‌های گسترده و شکل‌گیری کلانشهرها، ساختار سنتی و خودگردان محلات دچار تحول شد و جای خود را به نهادهایی چون بلديه و شهرداری داد که با این تحول، نقش مشارکت مستقیم مردم در اداره محلات کمرنگ شد و بسیاری از وظایف مردمی به نهادهای رسمی سپرده شد. استاد دانشگاه علم و صنعت با تأکید بر پیامدهای این تغییر، خاطرنشان می‌کند: حضور مردم در امور اجتماعی نه تنها موجب کاهش هزینه‌های اداره شهر می‌شد، بلکه حس تعلق به محله را نیز افزایش می‌داد؛ اما امروز با نهادسازی‌های گسترده، بخشی از این مزایا از بین رفته و نقش مردم در اداره شهر کمرنگ‌تر شده است.

■ **بازگشت رویکرد محله‌محوری در مدیریت شهری**

شکوهی با اشاره به بازگشت موضوع توجه مدیریت شهری به محله‌محوری در سال‌های اخیر، می‌گوید: اقداماتی مثل تشکیل شورایی‌ها، هیئت‌امنای محلات و تدوین اسناد توسعه محلات در شهرهای مختلف از جمله تهران و دیگر کلانشهرها نشان از احیای این رویکرد دارد.

وی با بیان اینکه در طرح جامع تهران نیز بر محله‌محوری تأکید شده، اظهار می‌کند: در حال حاضر اسناد توسعه محلات در حال تدوین است که سطح جدیدی از برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌رود؛ با این حال، در زمینه تفویض اختیار واقعی به مردم و جلب مشارکت جدی آنان هنوز کاستی‌هایی وجود دارد.

عضو سابق شورای عالی شهرسازی و معماری کشور با اشاره به چالش‌های موجود در اجرای سازوکارهایی چون شورایی‌ها، می‌گوید: متأسفانه در بسیاری موارد، افراد امین محلات وارد این فرایندها نشدند و جای خود

محله‌محوری؛ طرحی برای مشارکت یا شعار بی‌پشتوانه

نبض محلات در دست مردم



دوم، در تصمیمات مهم شهری – مانند تصمیمات کمیسیون ماده ۵ – در یافت نظر مردم محله به عنوان شرط اصلی لحاظ شود.

وی با اشاره به امکان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، خاطرنشان می‌کند: می‌توان از پلتفرم‌های دیجیتال برای جمع‌سپاری برنامه‌ها، بودجه‌ریزی و دریافت پیشنهادهای مردمی استفاده کرد. حتی تأمین مالی برخی پروژه‌ها نیز می‌تواند از طریق روش‌هایی چون تأمین مالی جمعی انجام شود.

انتخابات محله‌ای نیز باید مبتنی بر قانون و شفافیت باشد، تنها ساکنان یک محله مجاز به شرکت و رأی دادن باشند و برای جلوگیری از تخلفات، فرایند صدور تعرفه باید مبتنی بر محل سکونت افراد و کد پستی آن‌ها باشد.

اگر این اصلاحات نهادی و قانونی صورت گیرد، می‌توان امیدوار بود وضعیت محلات در آینده بهبود یابد و مدیریت شهری بیش از گذشته رنگ مردمی به خود بگیرد.

■ **هیچ اختیار و مسئولیتی به محلات داده نمی‌شود**
یک کارشناس برنامه‌ریزی شهری هم در این خصوص با بیان اینکه در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای توسعه محله‌محوری صورت گرفته است، می‌گوید: این تلاش‌ها به عنوان مثال در تهران شامل ایجاد شورایی‌ها در محلات، شکل‌دهی به سرای محلات و به‌تازگی ایجاد نهاد جدیدی با عنوان مدیریت محله بوده است؛ اما اگر بخواهیم این اقدام‌ها را واقعاً ارزیابی کنیم، درمی‌یابیم در عمق، هیچ اختیار و مسئولیت واقعی به نهادهای محله‌ای واگذار نشده است.

حمیدرضا زارعی در گفت‌وگو با خبرنگار ما ضمن بیان اینکه اگر بخواهیم شاخصی برای سنجش تحقق محله‌محوری معرفی کنیم، آن شاخص میزان توانایی این نهادها در آرایشی از اختیار و مسئولیت جدی است، ادامه می‌دهد: در ساختار کنونی، نهادهای محله‌ای نه دغدغه بودجه مستقل دارند، نه اختیار برنامه‌ریزی محلی واقعی؛ حتی سلسله پروژه‌ها و بودجه‌ریزی‌ها نیز بدون دخالت مستقیم مردم محله انجام می‌شود. در این چارچوب، محله‌محوری تنها در سطح پوسته‌ای و نمادین باقی مانده و از عمق واقعی خالی شده است. در برخی دوره‌ها، تلاش شد محله‌محوری به‌طور جدی اجرا شود، اما سوءاستفاده‌هایی از سازوکارهایی مانند شورایی‌ها صورت گرفت و برخی افراد غیرمرتبط یا دارای منافع خاص وارد این ساختارها شدند و این موضوع موجب عقب‌نشینی مدیریت شهری و خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی شد.

دبیر کمیته بافت فرسوده شورای شهر تهران با تأکید بر اینکه عدم واگذاری مسئولیت‌ها و اختیارات در پی این تجربه‌های تلخ سبب شده محله‌محوری جایگاه واقعی نیابد، می‌گوید: اگر تمام تلاش‌ها فقط در راستای طراحی‌های اولیه یا اجرای ظاهری باشد، بدون واگذاری اختیار حقیقی، نمی‌توان گفت محله‌محوری محقق شده است؛ چرا که مردم همچنان در زیرساخت‌های رسمی قدرتمند شهرداری و دیگر نهادها به حاشیه رانده می‌شوند.

■ **محله‌محوری؛ ابزاری تبلیغاتی، نه یک اصل**
زارعی در ادامه درباره موانع فرهنگی و اجتماعی مشارکت واقعی مردم بیان می‌کند: یکی از مهم‌ترین مشکلات این است که مشارکت برای برخی مدیران به یک ابزار تبلیغاتی و نه یک اصل تبدیل شده است؛ مشارکت اگر اصل نیست، پس یک واسطه برای نمایش آماری یا ابزار کاهش هزینه‌هاست، نه یک فرایند شورایی و اعتقادآفرین‌وی. سپس اشاره‌ای به اهمیت توسعه سرمایه اجتماعی و نهادهای محله‌ای کرده و می‌گوید: سرمایه‌اجتماعی چیزی نیست که یک‌شبه شکل بگیرد؛

برای رسیدن به متحد شدن نهادها و جامعه محله‌ای، نیازمند آموزش، فرهنگ‌سازی و ایجاد نهادهایی هستیم که به‌مرور در سطح محله ریشه‌دار شوند.

مشاور رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران با بیان اینکه بی‌پشتوانه رها کردن این مسیر، مثل ساختن طاق بدون پی است، ادامه می‌دهد: در جامعه‌ای که فاصله اجتماعی بین مردم زیاد است، مشارکت بدون معنای واقعی خواهد ماند؛ باید فراهم‌سازی شرایط مشارکت و تحمل دوره‌های دشوار را در ساختار قانونی در نظر بگیریم.

مشاور رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران در ادامه به تجربه طرح «من شهردارم» اشاره کرده و می‌گوید: این طرح که در تهران اجرا شد، به شهروندان امکان می‌داد ایده‌ها و پیشنهادهای خود را برای بهبود شهر از طریق سامانه «من شهردارم» به شهرداری ارائه دهند؛ این طرح اگرچه جنبه مشارکتی داشت، اما بیشتر برای ارتقای تعداد شرکت‌کنندگان مورد توجه قرار گرفت تا اثرگذاری واقعی. بنابراین وقتی در محلات بررسی می‌کنید، می‌بینید مردم یا در جریان آن نبوده‌اند یا از نتیجه راضی نیستند.

متأسفانه به جای آنکه این طرح ابزاری برای رشد اجتماعی باشد، به ابزاری برای تولید آمار تبدیل شد و در نتیجه، مدیریت شهری نیز قادر به دفاع از آن و معرفی آن به‌عنوان الگوی موفق نیست.

■ **محله‌محوری با نردبان مشارکت**

این کارشناس برنامه‌ریزی شهری در پاسخ به پرسشی درباره نیازها و تغییرات قانونی برای تحقق محله‌محوری، بیان می‌کند: الزام نخست، وجود ساختاری پویا در قانون است؛ ساختاری که بتواند با استفاده از مدل‌هایی مانند نردبان مشارکت، محله را به‌تدریج رشد داده و اقتدار بیشتری پیدا کند.

مشارکت دسته‌بندی دارد؛ اینکه صرفاً اعلام نظر کنیم یا مشارکت در تصمیم‌سازی یا مشارکت در اجرا، هرکدام پله‌هایی دارند؛ ساختار قانونی ما باید این مراحل را تعریف کند، نه اینکه صرفاً به تشکیل یک نهاد بدون چشم‌انداز مشخص اکتفا شود.

باید برای هر مرحله شاخص تعریف شود؛ برای مثال آیا شورایی‌ها یا نهاد محله توانسته جلسات منظم برگزار کند؟ آیا توانسته تخصص‌های محلی را شناسایی و در اجرا شود، اما سوءاستفاده‌هایی از سازوکارهایی مانند داشته باشد و در تخصیص آن مؤثر واقع شود؟ براساس تحقق هر یک از این شاخص‌ها باید در آن مرحله اختیارات بیشتری داده شود.

وی با اشاره به نیاز مدیران به شجاعت و ریسک‌پذیری در واگذاری اختیارات، می‌گوید: مدیران نباید از واگذاری قدرت به مردم بترسند و تصور کنند مردم نمی‌توانند از عهده آن برآیند؛ واقعیت این است بسیاری از نقص‌هایی که امروز در ساختار رسمی وجود دارد، ناشی از عملکرد خود نهادهای رسمی است؛ بنابراین دلیل کمبود اعتماد نباید به مردم نسبت داده شود؛ جامعه محله برای یادگیری باید فرصت خطا و رشد داشته باشد.

زارعی اظهار می‌کند: برای تحقق محله‌محوری لازم است نهادهای محلی شناسایی شده و ساختاری چندسطحی داشته باشند؛ از تصمیم‌گیری کوچک محله‌ای تا تصمیم‌گیری در سطح شهر باید ساختار قانونی و نهادی برای رشدیابی آن فراهم شود، تنها در این صورت است که می‌توان به تحقق واقعی محله‌محوری امیدوار بود.

دبیر کمیته بافت فرسوده شورای شهر تهران با تأکید بر این نکته که بدون چنین ساختارهای قانونی و نهادی پویا هیچ پیشرفتی حاصل نخواهد شد، خاطرنشان می‌کند: محله‌محوری اگر قرار باشد فراتر از شعار باشد، نیازمند اعتماد، اعتقاد، ساختار، تعریف پویا و برنامه‌ریزی بلندمدت است.

تأمین ذخایر دارویی ۶ ماهه کشور

حسین عبدلی، عضو هیئت رئیسه کمیسیون بهداشت مجلس به مهر گفت: ذخایر راهبردی دارو و تجهیزات پزشکی به‌صورت دپو شده برای نیاز حداقل ۶ ماه آینده کشور آماده‌سازی شده و جای هیچ نگرانی بابت کمبود دارو یا تجهیزات پزشکی وجود ندارد.

حاشیه–منی

موانع مشارکت شهروندان در اداره محلات

حکمران شهری، علامه دهر نیست

عفت زارع| «برای برداشتن موانع مشارکت باید شهروند در نظام حکمرانی دیده شود و حکمران تصور نکند یک فرد متفاوت با دانش بالا و بی‌نیاز از شهروند است و هر تصمیمی که می‌گیرد تصمیمی درست‌است».

یک جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی به‌قدس آنلاین می‌گوید: پیش از شکل‌گیری بلديه(شهرداری) در شهرها تعامل بیشتری میان مردم برقرار بود و مشکلاتی را که برای محله‌پیش می‌آمد با کمک یکدیگر حل می‌کردند. پس از شکل‌گیری بلديه، امور شهری به این سازمان رسمی واگذار شد و مردم بخشی از همراهی و همکاری خود را به این سازمان واگذار کردند و در قبال پرداخت هزینه‌هایی ازجمله مالیات، عوارض و... توقع داشتند این سازمان رسمی کارها را انجام دهد، اما بخشی از مسائل درون محلی را مردم با مشارکت یکدیگر حل می‌کردند.

هادی برغم‌دی می‌افزاید: به‌تدریج از حدود سال ۸۶ به‌بعد، شهرداری انجام خدمات شهری را نیز به‌عهده گرفت و کارهایی مانند رفت‌وروب، تمیز کردن معابر، عمران و... را نیز در دست‌وکار خود قرار داد و نگاه به شهرداری به‌منابه یک سازمان خدماتی پررنگ‌تر شد. از همان سال‌ها شعارهایی از طرف شهرداری مطرح شد که شهرداری نهاد مدنی و مردمی است و پس از آن، مفاهیم مشارکت شهروندی رونق بیشتری پیدا کرد و اداراتی با عنوان اداره کل مشارکت‌های شهروندی و... شکل گرفت.

هدف از تشکیل اداره مشارکت شهروندی این بود مشارکت شهروندی را ارتقا دهد. به‌عبارتی مردم محله از میان خود، نمایندگان را انتخاب می‌کنند که واسطه میان مردم محله و مدیریت محلی شوند. بنابراین مردم مشکلات را با نماینده محله مطرح می‌کردند و نمایندگان نیز مسائل را به گوش شهرداری می‌رساندند تا شهرداری برای رفع آن اقدام کند. این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: در حقیقت هنگامی که صحبت از مشارکت شهروندی می‌کنیم، این مشارکت در بستر بزرگ‌تر یعنی در جامعه وجود دارد. داشتن سرمایه اجتماعی، مقدماتی می‌خواهد که نخستین قدمش این است شهروندان از اتفاقاتی که رخ می‌دهد آگاه باشند.



دومین گام مؤثر در افزایش سرمایه اجتماعی این است شهروندان احساس همبستگی کنند و باور داشته باشند جزئی از نظام برنامه‌ریزی و اجرا هستند و خود را از ساختار مدیریت و حکمرانی شهری جاندانند.

چنانچه این دو گام بر داشته شود، در گام سوم، شهروند مشارکت می‌کند. یعنی مادامی که او نداند چه خبر است و یک هویت مشترک میان خود و مدیریت شهری برقرار نبیند، امکان ندارد مشارکت عملی انجام شود.

وی عنوان می‌کند: در شرایط کنونی مشارکت شهروندی دور از ذهن است، چرا که هیچ‌یک از متغیرهای آگاهی و همبستگی شهروندان چه در سطح کلان و ملی و چه در سطح شهری و محلی وجود ندارد. برای برداشتن موانع مشارکت باید شهروند در نظام حکمرانی دیده شود و حکمران تصور نکند یک فرد متفاوت با دانش بالا و بی‌نیاز از شهروند است و هر تصمیمی که می‌گیرد، تصمیمی درست است، تغییر تفکر در نظام حکمرانی، گام نخست در رفع موانع مشارکت محلی است. البته هیچ‌یک از ما و حتی نهادهای مدنی نمی‌توانند این مسئله را در کوتاه‌مدت حل کنند. مادامی که حکمران شهری نپذیرد علامه دهر نیست، طبیعتاً هیچ سهمی برای شهروند در نظر نمی‌گیرد و هنگامی که شهروند متوجه شود به بازی گرفته شده و برای مثال تنها برای برگزاری رویدادی نیاز به حضور او دارند تا رویداد را موفق نشان دهند، کم‌کم خود را از مشارکت‌های محلی کنار می‌کشد. سوءاستفاده از شهروند سبب می‌شود او پس از یکی دویار مشارکت، خود را یک بازبینی که انگار باز بچه‌قرار گرفته‌ودر نتیجه تن به مشارکت نمی‌دهد.

برغم‌دی معتقد است: ما انسان‌ها هنگامی وارد مشارکت می‌شویم که به منافع بیشتری نسبت به فعالیت‌های فردی خود برسیم. این منافع لزوماً منافع مادی نیست بلکه می‌تواند منافع غیرمادی هم باشد. شما هنگامی وارد مشارکت می‌شوید که احساس کنید برای رسیدن به یک هدف به تنهایی نمی‌توانید موفق شوید. برای مثال ترمیم آسفالت خیابانی در محله یا هر چیز دیگری که فکر می‌کنید اگر با مشارکت و همفکری جمعی باشد محقق خواهد شد.

وقتی قرار است شهروند کنار حکمران محلی قرار بگیرد و مشارکت کند باید منفعتی داشته باشد و گرنه چنانچه مشارکت تنها بر سر یک تبلیغات و معضلی از معضلات حل نشده باشد شهروند نیز خود را کنار می‌کشد و حاضر به مشارکت نمی‌شود.

همه مشکلات اعم از نارضایتی، بی‌اعتمادی، شرایط نامطلوب اقتصادی و فرهنگی یک‌شبه به وجود نیامده‌اند بلکه ۵۰۴۰ و حتی ۶۰سال طول کشیده تا مردم به حکمران شهری بی‌اعتماد شده‌اند. بنابراین نمی‌توان نسخه‌ای پیچید که حکمران شهری بتواند بلافاصله مشارکت شهروندان را افزایش دهد. بلکه دست‌کم ۶۰ تا ۷۰ سال طول می‌کشد تا بتوان اعتماد از دست‌رفته را دوباره به جامعه برگرداند. مشارکت در شهر و کشور ما به‌راحتی افزایش پیدا نمی‌کند مگر آنکه حکمران بخواهد این اتفاق بیفتد و بابت آن هزینه بدهد، وقت بگذارد و مهم‌تر از همه اینکه باور داشته باشد مشارکت شهروندان برای حکمرانی ضروری است.

برای کمک به تلویزیون پیام داده‌ام اما هنوز جوابی نگرفته‌ام
محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک درباره نقش حیاتی هنرمندان در شرایط بحرانی مانند جنگ به ایسنا گفت: دوران ویژه‌ای است و هر کس باید هر کاری از دستش برمی‌آید برای کشورش انجام دهد. البته اگر پیش‌تر این همدلی قوی‌تر

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

محمد مسلمی، مجری و برنامه‌ساز کودک

نیایش احمدی | در بحیوحه حمله رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان بود که محسن چاوشی قطعه «علاج» را منتشر کرد که در صفحه رسمی‌اش در اینستاگرام به۹ میلیون بازدید رسید.

محسن چاوشی، خواننده‌ای که همواره به دلیل سبک خاص، صدای منحصر به فرد و اشعار متفاوتش مورد توجه قرار گرفته، این بار قطعه «علاج» که در میان حمله رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان منتشر شد نگاه‌ها را به خود جلب کرده است. عصر سه‌شنبه ۱۰ تیر ماه بود که اشکان خطیبی در ایکس یا همان توییتر سابق اعلام کرد محسن چاوشی برای خواندن قطعه «علاج» دستمزدی میلیاردي گرفته است. این مطلب در فضای مجازی وایرال شد و واکنش‌های زیادی هم به همراه داشت. برخی کاربران با اشاره به سابقه هنری چاوشی و تأثیرگذاری اجتماعی آثارش، این پست را محکوم و بر کذب بودن این مبلغ تأکید کردند.
به ویژه آنکه چاوشی پیش از این نیز سابقه اهدای مبالغ قابل توجهی به امور خیریه از جمله آزادی زندانیان جرایم مالی را در کارنامه دارد. این واکنش‌ها به طوری بود که خود محسن چاوشی نیز به این خبر واکنش نشان داد و با انتشار یک آیه از قرآن در استوری خود نوشت: «و الله یعصمک من الناس (و خداوند تو را از شر مردم حفظ می‌کند)».

البته قابل ذکر است پست مربوط به دستمزد میلیاردي چاوشی در ایکس به دلیل واکنش‌های منفی از سمت مردم فوراً از صفحه منتشرکننده آن پاک شد. پس از آن نیز کاظم بهمنی، شاعر این تک‌آهنگ مطلبی را در حمایت از این خواننده منتشر کرد.



در متن منتشر شده از سوی بهمنی با عنوان «در باب علاج و مردم» آمده است: «شب داشتیم با هم قدم می‌زدیم بعد از کلی حرف، به شوخی بهش گفتم تو هم ترسیدیا! گفت ذره‌ای نمی‌ترسم، ما جنگ زده‌ایم اما خیلی از این «مردم» مضطربن، همه بغض دارن... کاش می‌شد براشون کاری کنیم. برگشتیم خونه‌اش؛ ساعت ۱۰:۳۰ شب بود، صدای پدافند قطع نمی‌شد یه ملودی که از قبل ساخته بود رو واسم پخش کرد، گفت رو همین خط بنویس. فؤادیان قهوه برام درست کرد که خوابم نبره. تا صبح بند به بند می‌نوشتم و اون بند به بند رو می‌خوند.

ساعت ۴ صبح شده بود، فؤادیان خوابیده بود، اثر کافئین قهوه رو هم دیگه احساس نمی‌کردم اما همچنان اون اصرار داشت که نخواب، به صورتش که نگاه می‌کردم انگار یه موضوعی خوابوازش گرفته بود.

تو اتاق پشت میز نشسته بودم و می‌نوشتم. هر یه ربع بهم سر می‌زد که نخوابیده باشم و هی با حرفاش سعی داشت تهییجم کنه... کاظم! مردم! خطاب به «مردم» بنویس! بگو هر چی بزنی ما هم جواب می‌دیم، یه چی بگو دلادشون قرص شه، بگو نترسن، این سر و صداها بیشتر واسه نفوذیاس! بگو «خدا» هوامونو داره...» کاظم پیچیده‌اش نکن، ساده و صریح بنویس که همه «مردم» بفهمن... ساعت ۷ صبح... کار من تموم شده بود، کف استودیو دراز به دراز افتاده بودم و چشمام داشت بسته می‌شد. از فشار خواب نمی‌تونستم بهش بگم کولر رو خاموش کن و حسابی سردم بود...

ساعت ۸ صبح با صدای اسپیکرا چشامو به زور باز کردم. از روی صندلی برگشت و با یه لبخند رضایتی نگام کرد، گفت تمومه! (انمی دونم ساعت چند) یه ملحفه‌ای کشیده شد روم و در اتاق آروم بسته شد. امروز دیدم یه نفر نوشته که چند میلیارد پول بابت علاج گرفته! ای کاش واقعاً حرفش درست باشه! چون اون نمی‌دونه که محسن بیشتر پولی که درمیاره کجا هزینه می‌کنه... که اگر خرج خودش کرده بود الان توی یه خونه ۹۰ متری معمولی مستأجر نبود.

در روزهایی که آسمان شهرمان زیر سایه موشک و آژیر می‌لرزید، صدایی برخاست که نه از جنس ترس، که از جنس تسکین بود. محسن چاوشی با «علاج» تنها یک قطعه موسیقی نساخت، بلکه زخمی را مرهم گذاشت، بغضی را باز کرد و دل‌هایی را آرام.

در شب‌هایی که برخی خاموش ماندند یا در هیاهوی مجازی غرق شدند، او پشت میکروفن ایستاد، بی‌هیاهو و بی‌ادعا، تنها با یک دغدغه: «مردم». همان مردمی که همیشه در خط او بودند، همان‌ها که حالا صدایشان در صدای چاوشی پژواک یافت.

حالا اگر کسی در تاریکی حاشیه‌ها از «دستمزد» می‌گوید، باید بداند ارزش صدایی که در شب پدافندها به دل مردم امید می‌بخشد، نه با پول سنجیده شده و نه با شایعه خاموش می‌شود.

محسن چاوشی در شب حمله، نه عقب کشید، نه معامله کرد. او «ماند»: با صدایی که برای مردم است و با دلنگرانی‌هایی که مال این خاک است؛ و این گونه است که بعضی صداها، نه فقط موسیقی، بلکه بخشی از حافظه ملی ما می‌شوند.

بود، هنرمندان می‌توانستند تأثیر مثبت‌تری در آموزش، اطلاع‌رسانی و انسجام ملی بگذارند. با این حال، هنرمندان ثابت کرده‌اند پای کار هستند و دلشان برای مردم می‌تپد. او افزود: ما به همکاری همه هنرمندان از موسیقیدان‌ها و بازیگران تا دیگر اصناف نیاز داریم تا در راستای آبادانی و دست نسل‌های بعدی خواهد رسید.

۱۴ تیرماه به نام روز قلم نام‌گذاری شده، قلمی که رسالتش بیان حقیقت و انعکاس واقعیات است. به گفته ابراهیم حسن بیگی نویسنندگان در این برهه رسالت سنگینی دارند اما باید اجازه دهند اتفاق‌ها در وجودشان ته‌نشین شود تا بتوانند اثر آن ماندگار و اثربخشی خلق کنند. او خود از نویسندگان پیشکسوت حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس است که آثار زیادی را در طول دوران فعالیت خود به رشته تحریر درآورده و ۴۰ اثر او در جشنواره‌های مختلفی در ایران برگزیده شده است، از جمله کتاب «ریشه در اعماق» که سال‌های متعددی به عنوان کتاب برگزیده ۲۰ سال داستان‌نویسی انقلاب و دفاع مقدس انتخاب شد، همچنین «غنچه بر قالی» کتاب برگزیده سال ۲۰۰۰ از سوی کتابخانه ملی مونیخ آلمان است.

با این نویسنده درباره تأثیرات جنگ بر پهنه ادبیات و فعالیت نویسندگان در این دوران گفت‌وگو کردیم و حسن بیگی به فرصت‌ها و آسیب‌های داستان‌نویسی در این برهه تاریخی اشاره کرد و در پایان نیز گریزی به وضعیت ادبیات و کتاب زد که مشروح آن را می‌خوانید. ابراهیم حسن بیگی درباره بازتاب جنگ ۱۲روزه و مخاطرات آن و همچنین بیان واقعیت‌ها و حقیقت‌های موجود در عرصه ادبیات، می‌گوید: طبیعتاً تأثیر این اتفاق‌ها را الاان نمی‌بینیم و باید زمان بگذرد تا نویسندگان دست به کار شوند و بنویسند.

در حال حاضر این صاحب‌نظران اجتماعی و سیاسی هستند که شرایط موجود را تحلیل می‌کنند و پس از آن اگر روال زندگی به همین شکل پیش برود حتماً این مقطع مهم و بزرگ تاریخی، تأثیرات خودش را بر ادبیات هم خواهد گذاشت همان‌طور که در هشت‌سال دفاع مقدس این اتفاق افتاد و حتی تا به امروز هم پس از گذشت ۳۷ سال از پایان جنگ، نویسندگان از آن دوران می‌نویسند و هنرمندان اثر خلق می‌کنند. به نظر باید منتظر بمانیم و ببینیم چه اتفاقی می‌افتد و انعکاس این واقعه در ادبیات به چه شکل خواهد بود.

وی ادامه می‌دهد: از آنجایی که وظیفه نویسنده بیان واقعیت‌های موجود و تأثیر آن بر زندگی انسان‌هاست قطعاً ادبیاتی می‌تواند بیاورد باشد که مبتنی بر بیان این واقعیت‌ها و اتفاق‌هایی است که پیرامونش رخ می‌دهد و خودش هم به عنوان یکی از آن شخصیت‌ها تأثیرات لازم را از آن اتفاق گرفته است. البته نویسنده مستندنویس نیست و می‌تواند بعدها با مراجعه به نوشته‌های مستندنگارها این واقعیت‌ها را با تخیل بیامیزد و یک واقعیت جدید از آنچه اتفاق افتاده را به هنر و ادبیات نشان دهد.

این نویسنده در پاسخ به این پرسش که جنگ چه تأثیری روی مسیر و جریان ادبیات می‌گذارد، یادآور می‌شود: جنگ در شالوده و همه شاخصه‌های زندگی انسان چه خوب و چه بد تأثیر خودش را می‌گذارد، اما آنچه این تأثیر را ماندگار می‌کند تلاش هنرمند و نویسنده است که در زمان جنگ و یا پس از آن دست به قلم می‌شود و تأثیراتی که جنگ روی خودش و اطرافیانش داشته را در قالب رمان به رشته تحریر درمی‌آورد. در واقع حرفه نویسندگی

امیدبخشی به جامعه گام برداریم. من شخصاً به برخی مدیران شبکه‌ها پیام داده‌ام و در پُست‌هایم اعلام آمادگی کرده‌ام که هر کاری بتوانم انجام می‌دهم ولی تاکنون پاسخی دریافت نکرده‌ام. امیدوارم به اهمیت این موضوع پی ببرند؛ آسیب‌های روانی اگر امروز درمان نشوند، فردا جبران‌ناپذیر خواهند بود.

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی از ادبیات جنگ،رسالت نویسنده و وظایف نهادهای فرهنگی در آستانه روز قلم می‌گوید

جنگ ۱۲روزه بر ادبیات تأثیرخواهد گذاشت

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و فعال ادبی

روز افشای حقوق بشر آمریکایی

دوازدهم تیرماه سالروز حمله ددمنشانه ناوگان آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس و شهادت ۲۹۸ سرنشین آن در سال ۱۳۶۷ است که در تقویم ایران به‌عنوان «روز افشای حقوق بشر آمریکایی» نامیده شده است. در این حادثه دو موشک از ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران شلیک شد و همه مسافران و خدمه هواپیما به‌شهادت رسیدند که در میان آن‌ها ۶۶ کودک، ۵۳ زن و ۵۶ تبعه خارجی نیز بودند. این واقعه یکی از هزاران جنایت دولتمردان آمریکا پس از جنگ جهانی دوم است.

حسن احمدی فرد | ششم محرم

در مسجد علی بن ابی‌طالب(ع) قشمر روز علم‌بندان است. مردها جمع می‌شوند، علم بلند فلزی را از پوش سبزش بیرون می‌آورند، می‌پوسند و با انبوهی از پارچه‌های سبز تزیین می‌کنند. شامگاه ششم محرم، در مسجد علی بن ابی‌طالب(ع) قشمر «علم شمشیری» آماده شده تا روز هفتم، روی دست‌ها به سفر برود.

■ **راه بیابان در پیش**

علم شمشیری با آن هیئت شمشیرمانندش، با آن تیغه فلزی مشبک و ادعیه‌ای که بر آن حک شده و با آن عدد درشت ۱۱۰ که نماد ابجدی نام متبرک «علی» است، هفتم محرم، ساعت ۸ صبح از مسجد علی بن ابی‌طالب(ع) بیرون می‌آید؛ جایی که قسمی‌ها به آن «منبر بالا» می‌گویند. علم، بالای دسته چوبی، پیشاپیش جمعیت به راه می‌افتد. جمعیت، نوحه‌خوان و سینه‌زان از کوچه‌پسکوحه‌ها می‌گذرد و در برابر آن، جوان‌ها «گور» می‌زنند. این گور، ساز ساده جنوبی‌هاست. جنوبی‌ها، صدف‌های حلزونی شکل درشت را از دریا می‌گیرند و با آن، ساز گور را می‌سازند که ساز اعلان و اعلام است. در پیشاپیش هیئت‌ها، صدای گور بلند است تا اهالی بدانند دسته عزا در حال نزدیک شدن است. عزادارهای حیدرآبادی، همراه با علم شمشیری از خیابان‌های شهر می‌گذرند و راه بیابان را در پیش می‌گیرند. «بیمارستان پیامبر اعظم(ص)» آخرین ساختمان شهر است. دسته عزا دقایقی کنار بیمارستان می‌ماند و عزادارها برای شفای بیماران دعا می‌کنند و پس از آن، قدم در بیابان قشمر می‌گذارند. راه، کوبری است؛ خشک و بی‌آب و علف، با تک‌تک درخت‌های «کهور». مسیر دسته عزا از کنار «چاه علی‌کُته» می‌گذرد. سابق که چاه، بوده و آبی داشته، عزادارها کنار آن، گلوبی تری می‌کرده‌اند و آبی به سر و صورت می‌پاشنده‌اند. حالا هرچه هست، بیابان «ریغ‌گذار» است و رمل‌های داغش. راه از کنار «چشمه آب شور» می‌گذرد و سبزی مختصر آن. می‌رود و می‌رود تا اندک‌اندک، خانه‌های روستای حمیری دیده می‌شوند و جمعیت مشتاقی که در روستای «حمیری» منتظر رسیدن علم هستند.

عزادارها که بیشتر از ۱۰ کیلومتر راه را پیاده آمده‌اند، حالا در سایه درخت کهوری کهنسال می‌مانند که مثل نقطه سبزی در دل خاکی بیابان جا خوش کرده است می‌مانند و نفسی تازه می‌کنند. علم، تکیه داده می‌شود به درخت. جوان‌ها گور می‌زنند و نوحه‌خوان‌ها نوحه می‌خوانند. از اینجا تا حمیری ۱/۵ کیلومتر دیگر راه است.

■ **چشم‌به‌راه علم**

طولی نمی‌کشد که شماری از حمیری‌ها که به استقبال علم آمده‌اند، به علم می‌رسند. علم با اشک و آه به حمیری می‌رسد. حمیری‌ها همه سال، منتظر این روز هستند تا علم شمشیری به میهمانی‌شان بیاید.

اوقات شرعی به افق مشهد

اذان ظهر	غروب خورشید
۱۱/۳۶	۱۸/۵۳
اذان مغرب	نیمه شب شرعی
۱۹/۱۴	۲۲/۴۳
اذان صبح فردا	طلوع فردا
۲/۳۲	۴/۱۹

اوقات شرعی به افق تهران

اذان ظهر	غروب خورشید
۱۲/۰۹	۱۹/۲۴
اذان مغرب	نیمه شب شرعی
۱۹/۴۵	۲۳/۱۶
اذان صبح فردا	طلوع فردا
۳/۰۹	۴/۵۴

پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴ ۷ محرم ۱۴۴۷ ۳ جولای ۲۰۲۵ سال سی و هشتم شماره ۱۰۶۸۵

«علم شمشیری» هر محرم به قشمر برمی‌گردد

مسافر دریای اشک



نماز را که بخوانند و نوحه‌ای بشنوند و سینه‌ای بزنند، سفره‌ها پهن می‌شود و عزادارها می‌نشینند سر سفره سیدالشهدا(ع). در حمیری رسم است که در روزهای عزا، غذایی خاص بپزند؛ غذایی شله‌مانند با گوشت و برنج و نخود. عزادارها که پذیرایی بشوند، وقت برگشتن علم شمشیری است.

■ **تا شام غریبان**

علم از همان بیابانی که به سفر رفته، برمی‌گردد و عصر به قشمر می‌رسد. حالا وقت آن است که علم‌های دیگر قشمر به استقبال علم شمشیری بیایند. سه نوع علم دیگر به استقبال می‌آیند؛ دو علم با نشان دست که نماد امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هستند به همراه علمی نیزه‌مانند، نماد حضرت عباس(ع) علمدار دشت کربلا.

علم‌ها به استقبال می‌آیند و در خلوتگاهی «سه‌راه آب‌شیرین کن» می‌رسند به علم شمشیری. حالا وقت آن است تا در حضور علم‌ها، عزاداری اهالی قشمر به اوج خودش برسد. مردها دور علم‌ها حلقه می‌زنند و شروع می‌کنند به سینه‌زنی آشنای جنوبی‌ها. برای ساعتی، سه‌راه آب‌شیرین کن می‌شود صحرای کربلا.

پس از آن، علم‌ها هر کدام برمی‌گردند به هیئت

و حسینه خودشان؛ علم شمشیری هم لایه‌لای جمعیت عزادار، کُند، راه می‌پیماید به سوی مسجد علی بن ابی‌طالب(ع).

زن‌های قسمی رسم دارند نقل و شکلات بپاشند روی علم. هر کس حاجتی داشته یا دارد، نقل و شکلات می‌پاشد روی علم و روی سر و صورت عزادارها.

خورشید روز هفتم محرم که غروب کند، علم شمشیری دوباره رسیده به خانه‌اش. علم تا شام غریبان در مسجد یا در پیشاپیش دسته‌های عزادار می‌ماند و پس از آن است که دوباره قرار می‌گیرد در پوش سبزرنگش.

اهالی قشمر باور دارند تا همین سده‌های اخیر، شام غریبان عزای حسینی که پشت سر می‌شده، علم از چشم‌ها ناپدید می‌شده و از راه دریا برمی‌گشته به بارگاه شاه‌نخ (ع)، برمی‌گشته به همان‌جایی که از آن آمده و می‌مانده تا محرمی دیگر. قصه‌ای هم هست. ماهیگیر پیری با پسرش، شبی در دریا تور پهن کرده بودند تا سحرگاه، دست پر به خانه برگردند. نیمه‌های شب، پسر نوری را می‌بیند که از روی دریا، عازم خشکی است. نور را به پدرش نشان می‌دهد. پدر می‌پرسد امروز چه روزی است؟ پسر می‌گوید: اولین روز محرم است. پدر می‌گوید: پس برای همین است که علم شمشیری دارد برمی‌گردد به قشمر.

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس

وابسته به آستان قدس رضوی

مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی

سرمدیر: سید محسن اسدی

● پیامک: ۳۰۰۴۵۶۷

● ارتباطات مردمی: ۳۷۶۱۰۰۸۶ (۰۵۱)

● امور مشترکین: ۳۷۶۱۸۰۴۴-۵ (۰۵۱)

● روابط عمومی: ۳۷۶۴۲۵۸۷ (۰۵۱)

● نماز سرمدیر: ۳۷۶۱۰۰۸۷ - ۳۷۶۸۰۰۴ (۰۵۱)

● سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۲۸۲۰۵ - ۳۷۰۰۸۸ (۰۵۱)

● فاکس: ۳۷۶۱۰۰۸۵ (۰۵۱)

● سفارشات چاپی: ۳۷۶۷۵۹۶ (۰۵۱)

● چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس

● چاپ همزمان تهران: چاپخانه جام‌جم

یادداشت

دنیای دریا، دنیای قصه‌ها

«اصغر کریمی» عمرش را صرف دانش «مردم‌شناسی» کرد. او متولد ۱۳۱۹ در زنجان و دانش آموخته دانشگاه تهران و دانشگاه تحقیقاتی اکس‌مارسی فرانسه بود و هنگامی که در شهر یور ۱۴۰۰ درگذشت، ده‌ها کتاب و مقاله‌از خودبه‌جا گذاشته‌بود.اوهمچنین برای سال‌هایکی از نویسندگان «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» بود.یادداشتی که در ادامه می‌خوانید بخشی از مدخل «دریا» در این دایره‌المعارف است که به قلم استاد اصغر کریمی نوشته شده است.

خلیج‌فارس با داشتن انواع ماهی‌ها و جانوران دریایی، تأثیرات مستقل و مهمی بر اقتصاد، مشاغل و نوع تغذیه ساحل‌نشینان جنوب گذاشته است. این دریا بر رفتارها، اندیشه‌ها، باورها و بیماری‌ها و در کل زندگی این مردم نیز اثر مستقیمی دارد. دریانوردان سواحل خلیج‌فارس، داستان‌هایی درباره موجودات وهمی مثل «مادردریا» و «پدردریا» و جز این‌ها برای هم نقل می‌کنند که دیده‌اند یا از دست آن‌ها گریخته‌اند یا برای بچه مادردریا گهواره درست کرده و برایش برده‌اند و در عوض، مادردریا به آنان لطف کرده و صدف‌های دارای مروارید به ایشان داده است. بوشهری‌ها می‌گویند: اگر وقت شب بخواهی به کنار دریا بروی، باید هفت صلوات بفرستی و بعد بسم‌الله... بگویی تا از ما بهتران به سراغت نیایند.

اهالی بندر لنگه باورهایی به موجودات وهمی دریایی چون مادردریا، بچه بنینگی (بچه گهوآرگی) و بابادریا دارند و برای هریک داستانی نقل می‌کنند. مادردریا زنی است که همیشه کودک شیرخواره‌ای در آغوش دارد. گاهی این زن به غواصان شجاعی که با دیدن زن فرار و یا سکنه نکرده‌اند، نزدیک می‌شود و از آن‌ها می‌خواهد برای بچه‌اش گهوآرای تهیه کنند و به عمق دریا بیاورند. اگر غواص فراموش نکند و چنین گهوآره‌ای را برای او ببرد، مادردریا چند مروارید درشت به غواص می‌دهد.

بر اساس نقل دریانوردان، گاهی صیادان وقتی تور برای صید ماهی به دریا افکنده‌اند، گهوآره‌ای با کودکی درون آن درون تور افتاده است؛ دریانوردان فوراً گهواره و کودک را به دریا برمی‌گردانند که اگر چنین نکنند، همه سرنشینان کشتی مریض یا دیوانه خواهند شد. به باور دریانوردان، موجودی در خلیج‌فارس زندگی می‌کند که بدنش از پنجم سیاه و صدف‌های بی‌شمار پوشیده شده است و پستان‌های متعددی دارد و او را بابادریا می‌نامند. او هنگام غروب و شب‌ها از آب خارج می‌شود و کسی را که در ساحل است، می‌گیرد و به دریا می‌برد. گاهی نیز از بدنه کشتی‌ها بالا می‌آید و ملوانان را می‌گیرد و به دریا می‌برد. دریانوردان و اهالی قشمر باور دارند جانوری به نام «ام‌المداس» از دریا بیرون می‌آید و کسانی را که تنها در ساحل نشسته‌اند، می‌ترساند.

اهالی قشمر همچنین باور دارند خضر زنده و جاودان بوده و محافظ دریاها و پشتیبان صیادان، ماهیگیران و دریانوردان است. در بیشتر نقاط ساحلی جنوب ایران، برایش مقبره یا قدمگاه ساخته‌اند، همه یک‌شکل و یک‌طرح. مشهورترین قدمگاه خضر در قشمر، در دهکده پشت کوه است. وقتی دریا بدون ماهی می‌شود و صیدی صورت نمی‌گیرد، ماهیگیران چندین شبانه‌روز کنار قدمگاه جمع می‌شوند و شیرینی می‌دهند و نذر و نیاز و قربانی می‌کنند تا اینکه دریا پر از ماهی شود.

در یکی از روایت‌های جنوب ایران آمده است ماهیگیری در تور خود به جای ماهی، جانوری به شکل انسان پشمالو و بی‌آزار را صید می‌کند، آن را به خانه می‌آورد و به کار نگهداری از گوسفندانش می‌گیرد و چون مرتباً فقط کلمه هول را تکرار می‌کرده، او را هول می‌نامد. هول شبی ۱۰۰ دزد سواره را شکست می‌دهد و نیمی از آن‌ها را می‌کشد و نیم دیگر را فراری می‌دهد و صاحب پوشاک، اسب و زین‌ورگ اسبان آن‌ها می‌شود. مرد طمعکاری به امید دستیابی به این غنایم، دختر خود را به عقد هول درمی‌آورد. این دختر دارای چهار پسر می‌شود که بازماندگان آن‌ها به بن هول معروف‌اند. افراد قبیله او همه ماهیگیر، ملاح و راهزن دریایی شدند و همیشه در دریا به سر می‌برند.

به باور اهالی قشمر، آب دریا در آغاز شیرین بود. پدر و پسری تشنه، لب دریا رسیدند. پدر با جامی که همراه داشت، پیش از فرزند آب نوشید. وقتی پسر جام آب را بر لب گذاشت، آب شور شده بود. آب شور پسر را هلاک کرد و از آن زمان آدمی دریافت که هنگام تشنگی، اول باید کوچک‌ترها آب بنوشند.

در روستاهای کنگان هنگام خشکسالی برای طلب باران، هنگام سحرگاهان شخصی با یک بطری خالی به سوی دریا می‌دود و آن را از آب دریا پر می‌کند و با دوییدن، آن را به رودخانه‌ای می‌رساند و در نیم متری کف رودخانه چال می‌کند. مردم باور دارند دریاها به ابرها دستور می‌دهند آب دزدیده‌شده را به دریا برگردانند؛ ابرها آن قدر می‌بارند که رودخانه پر می‌شود و طغیان می‌کند و بطری را به دریا می‌رساند.